

نادیده گرفتن آراء رقیب در برخی از محورهای مورد بررسی مادلونگ. از جمله اشکالاتی است که می توان به آن توجه کرد.

شد، برجسته سازی موضوعات فرعی در مقابل اصل موضوع یا کم رنگ نشان دادن اصل موضوع در برابر موضوعات فرعی، تعارض سازی خطی است. گزینش یک سوپه در ریزموضوعات خاص در حوادث تاریخی یا در موضوعاتی نظیر فتاوی فقهی یا آراء کلامی و تأکید فراوان بر آن، در کنار بیان نکردن نقاط مقابل آن ها این پیامد را به دنبال دارد که فروعات و جزئیات، ارزشی همسنگ با اصل پیدا می کنند. برای نمونه مادلونگ در مقاله «منابع فقه اسماعیلی» بیان می دارد: بدین ترتیب، اعتقادی در کتاب الايضاح قاضی نعمان، توافقی است بین فقه امامیه و زیدیه. وی در انتهای مقاله اذعان می کند که کتاب الايضاح با سازش نظرات فقهی امامیه و زیدیه، به طور کلی بر فقه اسماعیلی قابل وصف است.^{۱۱} این نوع بیان یعنی معرفی یک فرد (قاضی نعمان) از یک مسلک فقهی (اسماعیلیه) و بیان آراء وی و مقایسه او با دو مکتب فقهی بزرگ و مفصل دیگر، یعنی امامیه و زیدیه در این حجم کم از استنادات و سرایت نتیجه نهایی به عنوان آراء فرقه مورد نظر (اسماعیلیه) بدون اشاره به آراء موازی و یا مخالف آن، از لحاظ علمی جای تردیدهای فراوانی دارد. از سوی دیگر برجسته سازی جریان هایی مانند کیسانیه، فطحیه و واقفه تا جایی پررنگ جلوه داده شده است که این فریق، جریانی هم تراز با جریان اصیل شیعه شناخته می شود^{۱۲} و علاوه بر آن، جریان اصلی شیعی هم آن چنان که باید به درستی معرفی نشده است.

+

۸- بیان مبهم، مفاهیم دوسویه و واژگان غیرشفاف

در آثار مادلونگ، می توان به نمونه هایی اشاره کرد که مادلونگ به روشنی منظور خود را معلوم نکرده است. وی گاه در بیان دیدگاه ها و اقوال، بدون ارزیابی آن ها، با استفاده از واژگانی خاص، بررسی های خود را ارائه می کند. یک نمونه پرتکرار در آثار مادلونگ استفاده از واژه «some» با کاربردهایی مانند برخی، بعضی و غالباً است.^{۱۴} اگرچه در لغت، این مفاهیم تمامی افراد گروه خود را شامل نمی شود اما در واقع باعث تبادل یک حکم کلی در ذهن مخاطب و خواننده می شود و در جایی که قرار است نتیجه گیری صورت گیرد، نتیجه گیری به طور عام و کلی انجام می شود نه خاص و غالبی. از طرفی برخی مفاهیم نیز دوسویه معرفی شده اند که نمونه ای از آن در خصوص شیعیان نخستین، در بحث از سیر تطور تشیع بررسی شده است.^{۱۵}

به هر حال مادلونگ از برخی روش هایی که در این مقاله بدان اشاره شده، بهره برده اما تفاوت عمده و مهمی که در کاربردی کردن روش های متعارف در آثار مادلونگ وجود دارد این است که مادلونگ، به فراخور مباحث و موضوعات تحقیقاتش از انواع روش های تاریخ نگاری در جایگاه های متفاوت و به انحاء مختلف بهره برده است؛ همه این ها در حالی است که مبنای اصلی و الگوی عملی او بر اساس مکتب رانکه بوده است؛ همین تنوع و گستردگی و همچنین تسلط وی بر منابع و روش ها، او را در میان مستشرقان منحصر به فرد کرده است. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که مادلونگ نتوانسته در تمامی موارد و گزارش ها

و تحلیل های خود، در چارچوب مبانی تاریخ نگاری قدم بردارد که در این تحقیق نیز به موارد متعددی از آن اشاره شد و همین موضوع، خود می تواند به نحوی از نقاط ضعف روشی و ساختاری آثار مادلونگ به شمار آید. ▶

+

پی نوشت

- ۱- لئوپولد فون رانکه مورخ برجسته آلمانی قرن نوزده (۱۸۸۶-۱۷۹۵) یکی از بنیانگذاران تاریخ مدرن به حساب می آید.
- ۲- به استناد ایمیل شخصی آقای مادلونگ که توسط مؤلف دریافت شده است و قول صریح خود مادلونگ در این باب.
- ۳- مادلونگ، مکتب ها و فرقه های اسلامی در قرون نخستین، صص ۳۵-۵۲.
- ۴- ر. ک. جانشینی محمد (ص)، صفحات ۲۹ تا ۴۶ و... در این صفحات و همین طور صفحات بعدی کتاب به بیش از ۱۵ منبع اشاره شده که تقریباً از هر دو منبع، یک منبع، متعلق به مستشرقان است؛ یا اینکه تا صفحه ۳۲ کتاب به ۱۴ منبع اشاره شده است که ۲ منبع اسلامی و مربوط به اهل سنت بوده و ۱۲ منبع دیگر به مستشرقان غیرمسلمان تعلق دارد.
- ۵- مادلونگ، مکتب ها و فرقه های نخستین در سده های میانه، مقاله «رساله ای از شریف مرتضی در باب مشروعیت همکاری با سلطان»، صص ۱۵۹-۱۸۲ و... مادلونگ، «مقاله منابع فقه اسماعیلی»، صص ۲۵۲-۲۷۰.
- ۶- مادلونگ، فریق اسلامی، صص ۱۲۷-۱۴۹.
- ۷- مادلونگ، مکتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه، صص ۱۲۰-۱۳۷.
- ۸- همان، صص ۱۳۷-۱۵۹.
- ۹- مادلونگ، فریق اسلامی، صص ۱۷-۳۵.

۱۰- مادلونگ، فریق اسلامی، پیشین، صص ۱۵۹-۱۶۵. به طور کلی مادلونگ برای تبیین نظریه خاص در یک گروه، چند فرد خاص را که بسیار برجسته هستند در نظریه گیری و دائم به آثارشان استناد می کند و به نظرات موازی یا مخالف آن از همان مکتب با سایر مکتبات توجهی نمی کند. مثلاً در بررسی عقاید شیعه صرفاً به نظرات شیخ مفید و سید مرتضی و احیاناً شیخ طوسی می پردازد و سایر نظرات معاصران نادیده می گیرد؛ مادلونگ، مقاله «کلام معتزله و امامیه»، صص ۱۲۸-۱۳۶.

۱۱- الهی زاده، محمد حسین، تدریجی در سیره تاریخی اهل بیت (علیه السلام)، ش ۴۲، ص ۱۱۳.

۱۲- مادلونگ، مکتب ها و فرقه های اسلامی در سده های میانه اسلام، پیشین، صص ۲۵۷-۲۵۸.

۱۳- این مقالات و سایر مقالات از این قبیل، با این گونه عناوین در دائرة المعارف بزرگ اسلام و دانشنامه ایرانیکا به وفور یافت می شود. تعدد کمی و کیفی این ریزموضوعات و پرداختن به عناصر تشکیل دهنده آن ها در مقایسه با مقدار کمی و کیفی عناصری که به شیعه امامیه مرتبط بوده و به آن پرداخته، به نسبت، بسیار بیشتر است.

۱۴- همان، ص ۱۸۳.

۱۵- مراجعه شود به مدخل «شیعه» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

Abu 'l-Fath al-Daylami: Encyclopaedia of Islam, Second Edition: "There are some variants in the sources in regard to his own, his father's and his grandfather's personal names".
Talḥa b. 'Ubaydallāh: Encyclopaedia of Islam, THREE. "Abū Bakr, who was some twenty years his elder, may have trained him in the caravan trade in Syria, a business he later pursued successfully."

و موارد بسیار متعدد دیگر.

مادلونگ، به
فراخور مباحث
و موضوعات
تحقیقاتش از انواع
روش های تاریخ
نگاری در جایگاه
های متفاوت و به
انحاء مختلف بهره
برده است؛ همه این
ها در حالی است
که مبنای اصلی و
الگوی عملی او بر
اساس مکتب رانکه
بوده است.